

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: پیشنهادی دارم اگر امکانش هست در مورد این بیانیه گام دوم انقلاب حضرت آقا جلساتی همچون ندای بی صدای انقلاب برگزار کنید. متشکرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در روز چهارشنبه عرایضی تحت عنوان «وظیفه‌ی ما و پیام مقام معظم رهبری به جوانان» شد. خوب است که فعلاً آن را استماع فرمایید. در ضمن همین امروز در روزنامه‌ی کیهان، آقای دکتر سعدالله زارعی نکاتی را در رابطه با آن پیام فرموده‌اند که قابل توجه است. عیناً آن را خدمتتان ارسال می‌کنم: موفق باشید

بیانیه روز گذشته رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به «جوانان کشور» حائز اهمیت بسیاری است. این بیانیه را از یک سو می‌توان بیانیه «چشم‌انداز» لقب داد و از سوی می‌توان آن را «مانیفست آینده انقلاب» دانست. صدور این بیانیه دو روز پس از ۲۲ بهمن چهلمین سال انقلاب اسلامی می‌تواند علامتی از محور بودن «جوانان» تلقی شود چرا که اگر این بیانیه در دهه فجر صادر می‌شد، مخاطب تحت‌الشعاع مناسبت قرار گرفته و نقض غرض می‌شد.

رهبر معظم انقلاب به جز در موارد خاصی مثل «پیام به حجاج»، «پیام روز شهید» که به نوعی به یک سنت تبدیل شده‌اند، پیام و به خصوص بیانیه نمی‌دهند و البته سخنرانی‌های پرمغز رهبری در فواصل زمانی نسبتاً کوتاه جای خالی پیام‌ها و بیانیه‌هایی که به نسبت دوره حضرت امام خمینی (ره) کمتر صادر شده‌اند، پر کرده است. در عین حال این سومین بیانیه‌ای است که رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به «جوانان» نوشته‌اند و این خود از اهمیت بسیار زیاد موضوع نزد ایشان خبر می‌دهد. بیانیه تفصیلی روز گذشته حضرت امام خامنه‌ای

(مدظله‌العالی) جنبه‌های مختلفی دارد و تحلیل بخش‌های مختلف آن مجال و زمان زیادی طلب می‌کند و صد البته بیانیه به دلیل ورود صریح و صمیمی‌اش نیازی به شرح و توضیح هم ندارد، اما از آنجا که «خوب دیدن» و «دوباره دیدن» نیاز به تذکار دارد، صاحبان قلم و بیان باید در اطراف مفاهیم کلیدی این بیانیه وارد شوند. براین اساس این قلم سه فراز از فرمایشات ایشان را اندکی تحلیل می‌کند: ۱- در بخشی از بیانیه بسیار مهم رهبری آمده است: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰

سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجاد شده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۲۶ میلیون نفر در سنین میانه ۱۵ و ۴۰ سالگی و نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند و جمع چشمگیر جوانان محقق و ارزشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند، اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی نمی‌تواند با آن مقایسه شود». در این فراز رهبر معظم انقلاب به مهم‌ترین عنصر مورد نیاز در پیشرفت کشور یعنی «نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی» پرداخته و آن را «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور» دانسته‌اند. واقعیت این است که در مقایسه با کشورهای پیرامونی ایران و حتی تا دوردست‌ها از مرز جمهوری اسلامی، کشور دیگری با این ظرفیت چند وجهی وجود ندارد. نیروی مستعد و کارآمد ایران به نسبت عدد جمعیتی‌اش حتی به نسبت کشورهای ثروتمندی نظیر هند و چین درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. در ایران حدود نیمی از جمعیتش از یک سو زیر چهل سال سن دارند یعنی جوانند و از سوی دیگر از این جمعیت ۴۰ میلیونی، ۱۴ میلیون نفر تحصیلات عالی را طی کرده‌اند و این بدان معناست که ۳۵ درصد از جمعیت جوان، دوره تحصیلات عالی را گذرانده‌اند از سوی دیگر دبستگی ملی این جمعیت و اتصال‌شان به آموزه‌های انگیزه‌آفرین دینی که در جاهای دیگر به هیچ‌وجه حتی در فاصله بسیار زیاد از ایران قرار ندارد، هر یک عنصر تحصیل‌کرده جوان متدین را ضریب داده و ظرفیت کاری و تحرک صنعتی ایران را به چندین برابر عدد جمعیتی جوانان ما رسانده است. شما یک نفر شهید دکتر شهریار را در نظر بگیرید که خود ضریب هزاران نفر گرفته است و یا شهید طهرانی مقدم را در نظر بگیرید که در دوره خود از همین جنس جوانان بودند و چه نقش برجسته‌ای در تاریخ و فرهنگ و صنعت این کشور زدند. در فرصت بودن این ظرفیت تردیدی نیست و لذا باید گفت فراگیری دو عنصر «علم» و «ایمان» در ۱۴ میلیون جمعیت جوان ایران، اداره این کشور را برای مسئولین، بسیار آسان گردانیده است. صبر و تحمل همین قشر در برابر ناملایمات و در عین حال حضور آنان در صحنه‌های مختلف انقلاب حتی آنجا که خوف و خطری است، به خوبی نشان می‌دهد، اگر اراده‌ای در نظام برای به‌کارگیری درست این ظرفیت عظیم وجود داشته باشد، مشکلی بر سر این راه وجود ندارد. در همین جا یک سوال را هم می‌توانیم پاسخ دهیم، چرا فراخوان‌های مختلف ضدانقلاب خارجی و داخلی برای ایستادن جوانان در مقابل نظام جواب نمی‌دهد؟ آیا به دلیل آن است که مشکلی وجود ندارد؟ مسلماً این جمعیت ۴۰ میلیونی جوان با انواعی از مشکلات و ضعف‌ها و بدکارکردی‌ها و سوءمدیریت‌ها مواجه‌اند و لذا ماده اصلی فراخوان‌ها که «اعتراض به وضع موجود» است، پربیراه هم نیست، اما جوانان ما می‌دانند که اساس نظام مبتنی بر ترقی و تعالی کشور و شهروندان آن قرار دارد و هر فراخوانی که به «ویرانی» دعوت می‌کند، نمی‌تواند «سازنده» باشد و ویران‌سازی اساس نظام به معنای پشت پا زدن به سیستمی است که دغدغه‌ای مهم‌تر از پیشرفت همه‌جانبه کشور ندارد. از این رو به وضوح می‌بینیم که

وقتی مثلاً در مشهد اعتراضی شکل می‌گیرد و به زودی سر و کله عناصر مزدور و فریبکار پیدا شده و شعارها به سمت اساس نظام سوق پیدا می‌کند، مردم معترض به سرعت از این صفوف خارج شده و دور آنان را خالی می‌کنند؛ تا معلوم شود عدد این عناصر حتی در شهر بزرگی مثل مشهد از ۲۰۰-۳۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند. نکته مهمی که در این بخش از بیانیه رهبری آمد این بود که این سرمایه انسانی را برتر از «هر اندوخته مادی» دانستند. امروز می‌دانیم که بیشترین درآمد کشورهای بزرگ صنعتی نظیر چین از طریق «کار نیروی انسانی» و «خلاقیت‌های صنعتی» به دست می‌آید. جوانان ایران در همین سال‌های اخیر ثابت کردند که قادرند سرمایه‌هایی برای کشور خلق کنند که حتی نفت و گاز ایران در طول ۱۰۰ سال گذشته قادر به خلق آن نبوده‌اند. ۲. رهبر معظم انقلاب در بخش دیگری از بیانیه خود فرمودند: «اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. نگاه خوشبینانه جوانان نسبت به آینده کلید «حرکت» و «پوییش» به حساب می‌آید. از این روست که در تعالیم و توصیه‌های روانشناسی «شاد بودن» و «آینده را مثبت دیدن» نشانه سلامتی فرد ارزیابی شده و در درون حکومت‌ها، گروه‌های روانشناس دائماً در حال جست‌وجوی راه‌های جدیدی برای افزایش خوش‌بینی افراد جامعه نسبت به شرایط پیش‌رو هستند. «نگاه به جلو» اساساً موضوعی مرتبط با جوانان است و از این رو نوع تصویری که از آینده یک کشور و ملت ارائه می‌گردد، تأثیر مستقیمی بر آینده آن کشور و ملت دارد. دقیقاً به همین دلیل ایجاد نگرانی در جامعه ایران و امیدزدایی از آن در دستور کار دشمنان قرار گرفته است. شما به ادبیات دونالد ترامپ در چهل‌مین سالگرد انقلاب نگاه کنید، هر کس به آن نظر افکند، گمان می‌کند از کشوری سخن به میان آمده که در همه زمینه‌ها به خاک سیاه نشسته است؛ در حالی که حداقل ۴۰ میلیون از جمعیت کنونی ایران به یاد دارند که پیش از انقلاب در چه فلاکتی به سر می‌بردند و هم اینک در چه موقعیت رشک‌برانگیزی قرار دارند. از این جمعیت و جمعیت جوان همه کسانی که پایشان به اروپا رسیده می‌توانند درباره ادعای ترامپ و بولتون و... علیه ایران قضاوت کنند و قطعاً در این قضاوت ایران را از اکثر کشورهای اروپایی حتی فرانسه، ایتالیا و اسپانیا پیشرفته‌تر می‌دانند در حالی که ایران قبل از انقلاب با عقب افتاده‌ترین

کشورها توان قیاس داشت.

براساس جهتی که رهبر معظم انقلاب نشان دادند دلسوزان کشور و به خصوص صاحبان رسانه‌های کشور باید فکری برای «بد دیده شدن کشور» بکنند بخشی از این ناشی از توطئه هرروزه دشمن و به خصوص رسانه‌های آن است ولی بخشی هم بدون تردید ناشی از سیاه‌نمایی هر روزه رسانه‌های خودی به خصوص در فضای مجازی است. گاهی برای زمین زدن دولتی چنان عمل می‌شود که گویی آن دولت متعلق به خارج از این آب و خاک است! براساس نقش امید، رهبر معظم انقلاب در پایان بخش اول بیانیه‌شان به جوانان فرمودند: «در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»^۳ رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) در بخش دیگری از بیانیه خود فرمودند: «جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط است هر چند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود.» در واقع بیانیه در این بخش، «فارق» بین حقیقت و تزویر است. راه حل هر کشوری بدون تردید در درون آن است چه این کشور پیشرفته باشد و چه درگیر مشکلات و چه زمان راحتی باشد و چه زمان سختی. این یک قاعده عمومی و البته ساده است اما در درون ایران (که اتفاقاً حالا با این پیشرفت‌های بزرگی که ایران علیرغم چهل سال محدودیت اعمال شده از سوی دشمنانش همه فهمیده‌اند که راه حل در داخل کشور است)، عده‌ای ایران را درگیر مشکلات کمرشکن معرفی کرده و آینده آن را تیره و تاریک معرفی می‌نمایند و در داخل، ناکارآمدی خود و یا انتقال القایی که به آنان سپرده شده را به حساب کشور و نظام می‌گذارند و کلید حل مشکلات را در خارج نشان می‌دهند. این برای آن است تا تصمیم کشور که حفظ استقلال و حفظ روحیه مقاومت و عدالت‌طلبی و آزادیخواهی است، تغییر کند و آب ایران باز به آسیاب آمریکا سرازیر شود. این خط متأسفانه هر روز پررنگ‌تر شده است و از این رو رهبر معظم انقلاب در پیامی که برای شرایط ۴۰ سال آتی کرده و به فعالان صحنه‌های آینده کشور مربوط است، از این موضوع حساس خبر داده‌اند. این خط در چند سال اخیر پررنگ‌تر از همه سال‌های پیش از آن شده و بیم آن می‌رود که در آینده پررنگ‌تر هم بشود. اما واقعیت این است که کشوری که انقلاب می‌کند و می‌خواهد ساختار جدید و روند جدیدی براساس باورها و ایده‌ها و اصول خود بنا کند، نمی‌تواند به بیرون از مرزهای خود چشم بدوزد چرا که از یک سو فرض اولیه انقلاب این بود که می‌خواهد چیزی را بنا کند که وجود ندارد و از سوی دیگر باید آنچه دارد را به دیگران نیز صادر کند، تا محیط خویش را امنیت بیشتری ببخشد با این وصف چگونه می‌تواند چشم به دست محیط بیرونی و به خصوص محیط دشمن بدوزد. سعدالله زارعی

